گفتگو با امیرمحمد تفتی، خواننده پیرامون اوضاع این روزهای موسیقی اصیل ایرانی

جای تاسف است که تلویزیون ساز را نشان نمی‌دهد

آفتاب یزد – یوسف خاکیان: بارها در گزارش‌های مختلفی که پیرامون موسیقی سنتی در صفحه فرهنگی روزنامه منتشر کردیم درباره مسائل و مشکلاتی که این حوزه مهم و تاثیرگذار و البته مهجور موسیقی مطالبی را به رشته تحریر درآوردیم و با بررسی سخنان کارشناسان که همانا هنرمندان عرصه موسیقی بودند تلاش کردیم تا راهی برای حل این مشکلات بیابیم و از این رهگذر بتوانیم به لحاظ رسالت ژورنالیستی که بخش فرهنگ و هنر روی دوشمان نهاده این راهکارها را در منظر نگاه مسئولان امر که دستی بر آتش موسیقی (خاصه موسیقی سنتی) دارند قرار دهیم تا آنها آستین بالا بزنند و کاری انجام دهند. آنچه پیش روی شماست نیز به خاطر همین مسئله به رشته تحریر درآمده است. واکاوی مشکلات و مسائلی که هنر موسیقی سنتی در چند سال گذشته آنها را تجربه کرده، در گفتگو با خواننده‌ای که سالهاست در بطن و متن این معضلات قرار دارد و همچنان به فعالیت موسیقایی خود ادامه می‌دهد. اجازه دهید در همین ابتدا عنوان کنم که آشنایی با امیرمحمد تفتی یکی از بهترین اتفاقات زندگی رسانه‌ای من بود چرا که با فردی روبرو شدم که بیش از آنکه یک هنرمند باشد یک انسان به تمام معناست، چه از لحاظ خصوصیات و ویژگیهای فردی و چه از لحاظ وجهه اجتماعی‌ای که دارد. اولین بار که او را ملاقات کردم چند سال پیش در دفتر روزنامه بود، مقابلم نشست و به تمام سوالات رسانه‌ای‌ام پاسخ داد و من بیش از هرچیز از او زندگی آموختم تا اینکه پاسخ پرسش‌های هنری‌ام را بیابم. پس از انتشار آن گفتگو فقط یکبار دیگر توانستم با امیرمحمد تفتی دیدار داشته باشم و پس از آن فرصت دیدار میسر نشد تا اینکه کرونا آمد و کلا شانس دیدار این فرهیخته هنر برای من به صفر رسید. اما مزه آن گفتگو همواره در ذهنم باقی مانده بود و دوست داشتم یکبار دیگر با این خواننده موسیقی اصیل ایرانی گفتگو کنم تا اینکه بالاخره مجال مصاحبه (البته به شکل غیرحضوری) برایم مهیا شد و من از این فرصت طلایی استفاده کردم و سوالاتم را برایشان فرستادم و ایشان با سعه صدر و حوصله بسیار تمام پرسش هایم را پاسخ داد. آنچه در ادامه می‌خوانید ماحصل این گفتگوی مکاتبه‌ای اینترنتی است.

این برای دومین باری ست که به گفتگو با شما می‌پردازم، بار اول چند سال پیش بود که از آن زمان تاکنون اتفاقات زیادی در حوزه موسیقی رخ داده است، به نظر شما این گذر ایام از دفعه پیش تا امروز باعث شده اوضاع موسیقی (خاصه موسیقی سنتی) بهتر شود یا بدتر؟ دلایلتان را هم بفرمایید.

متاسفانه اوضاع موسیقی اصیل ایرانی بهتر نشده است. البته دلایل متعددی دارد که شاید پرداختن به همه آنها در یک مصاحبه مقدور نباشد اما می‌توانم به چند دلیل عمده اشاره کنم:

۱- عدم سیاست‌گذاری صحیح از طرف مدیران بخش فرهنگ و هنر در کشور، چه وزارت فرهنگ و ارشاد، چه سازمان صدا و سیما و یا نهادهای دیگر اعم از حوزه هنری و سایر ارگانها. همچنین عدم توجه به تولیدات خوب موسیقی ایرانی و تخصیص ندادن بودجه در این خصوص و عدم جذب و حمایت هنرمندان خوب و ارزنده‌ای که سالیان سال در این رشته زحمت کشیدند و موفقیت‌های بسیار کسب کرده و هر کدام توانستند آثار برجسته‌ای را تولید و ارائه نمایند. البته ناگفته نماند هیچ موقع در این چند دهه از آنان حمایتی صورت نگرفته است.

۲- عدم آموزش صحیح در این بخش به خصوص در دانشگاهای کشور مانند سایر رشته‌ها که خیلی مواقع می‌بینیم متاسفانه مدرک گرایی اولویت دانشجوها شده است. در رشته موسیقی هم قطعا اشکالات آموزشی فراوانی وجود دارد که این عامل نیز به تضعیف وضعیت موسیقی ایرانی منجر شده است.

۳- چون هیچ سازمان و تشکل خاصی وجود ندارد که هنرمندان این عرصه را گردهم جمع کند و همکاری و همدلی را بین آنان ایجاد نماید، در نتیجه هر فردی با توجه به سلیقه و گرایشات شخصی خود با گروهی مشغول به همکاری شده و در اکثر مواقع کارهای موردی و مقطعی انجام می‌شود و این باعث شده اتحاد و همدلی و اتفاق نظر بین هنرمندان وجود نداشته و یا کم باشد و این موضوع شاید بدون آنکه خیلی از هنرمندان به آن پی ببرند ضربه بسیار بدی را بر پیکره موسیقی ایرانی وارد می‌سازد.

۴- دلیل دیگر تغییر ذائقه مخاطبان موسیقی سنتی و اصیل توسط هنرمندانی که قبلا آثار خوبی را ارائه می‌نموده‌اند ولی به دنبال آن به دلیل حفظ شهرت و نام خود و همچنین کسب درآمدهای آنچنانی به سمت و سویی غیر از موسیقی ایرانی رفته‌اند و خیل هواداران خود که فکر می‌کنند موسیقی جدی و هنری را دنبال می‌کنند به سمت شنیدن آثار سطحی و پیش پا افتاده و عامه پسند کشانده‌اند، هنرمندانی که سابقه خانوادگی در هنر داشته و یا اجرای تیتراژهای سریال‌های صدا و سیما را به عهده داشتند هم اکنون در فضایی غیر از موسیقی ایرانی حرکت می‌کنند.

۵- در سالهای اخیر انتشار آلبوم موسیقی به صورت فیزیکی منسوخ شده و با توجه به پیدایش فضای مجازی و رسانه‌های متعدد اینترنتی شرکتهایی را که در زمینه تولید و پخش آثار موسیقی ایرانی فعالیت داشتند و در این بخش سرمایه‌گذاری می‌کردند نیز یکی پس از دیگری حذف کردند تا زمینه تولید و نشر محدودتر شود و اقتصاد هنر اصیل از بین برود و این باعث توقف تولیدات خوب در این بخش شده است.

روی هم رفته به نظر می‌رسد موسیقی همواره به لحاظ توجه مسئولان و حتی مردم سیر نزولی داشته و همواره وضعیتش بدتر از گذشته بوده است، به عقیده شما مشکل اساسی در کجاست؟

به نظرم این اصطلاح که سیر نزولی داشته درست نیست، چون هیچ وقت سیر صعودی نداشته که حال نزولی شده باشد. در این چند دهه به لحاظ نظرات متفاوت درباره موسیقی، حرکت در این بخش دچار ابهامات متعددی بوده و نبود سیاست واحد باعث شده که هر مسئول و مدیری که بر مسند کار قرار گرفته برای حفظ پست و مقام خود محافظه کاری کرده و به جز کارهای سفارشی و موردی در این بخش نگاه راهبردی و جامع وجود نداشته است و اساسا مدیران در این خصوص اعتقادی هم به کارهای هنری ندارند، چون خود آنها اکثرا تخصصی در این زمینه ندارند و حتی حاضر به سرمایه‌گذاری نیز نیستند و آنقدر دولتها درگیر مسائل اقتصادی و معیشتی مردم هستند که بخش فرهنگ و هنر اولویتی ندارد، در صورتی که اگر شما جامعه را به صورت انسان تصور کنید که دارای اجزایی هست بخش کشاورزی، صنعتی، تجارت، تولید، خدمات به مانند دست و پا و قلب و ریه و سایر اجزا هستند، اما صورت این انسان یا جامعه که هویت او را مشخص می‌سازد فرهنگ آن جامعه هست و فرهنگ چیزی جز زبان و ادبیات و معماری و موسیقی و نقاشی و مجسمه‌سازی و سایر هنرها و همچنین آداب و رسوم و... نمی‌باشد، پس هراندازه که به اجزای دیگر بپردازیم و بخش فرهنگ را نادیده بگیریم چهره‌ای که از جامعه خود می‌سازیم چه خواهد بود؟ جواب این سوال را مسئولان بخش فرهنگ و هنر باید بدهند که در این سالها چه کرده‌اند و آیا هنرمندان واقعی را در رشته‌های مختلف و همچنین موسیقیدانان بزرگ این سرزمین را حمایت نموده‌اند یا اینکه هر کدام از آنها با تلاش و هزینه‌های شخصی خود توانسته‌اند پرچم هنر این سرزمین کهن را بالا نگه دارند؟ آیا درصدد برآمده‌اند که از طریق رسانه ملی که متعلق به همه مردم است این هنرمندان را معرفی کنند و از وجود و آثارشان مردم را آگاه سازند؟ اگر اینچنین کرده‌اند پس پسند و سلیقه مردم هم تنزل پیدا نکرده است. شما در نظر بگیرید برنامه‌های متعددی در رسانه ملی داریم که آشپزی یاد می‌دهند و بعضا غذاهایی را معرفی می‌کنند که خانواده‌های متوسط نیز از عهده تهیه مواد اولیه آن برنمی آیند، چه برسد به طبقات پایین تر. این در حالیست که این سازمان عریض و طویل ساعتها وقت و هزینه صرف تولید چنین برنامه‌هایی می‌کند. نمی‌گوییم که چنین برنامه‌هایی تولید و پخش نشوند ولی آیا تاکنون برنامه‌ای منسجم در مورد موسیقی تولید و پخش شده که مردم را با انواع آن آشنا کند و مخاطبین بتوانند طبق سلیقه و نگرش خود آگاهانه موسیقی مورد علاقه خود را انتخاب کنند و با موسیقی ملی و اصیل و سنتی ایرانی آشنا گردند؟ اگر موسیقی را از برنامه‌های صداوسیما حذف کنند چه باقی می‌ماند؟ پس این موسیقی که نقش پررنگ و پرمصرف و حائز اهمیت را داراست نباید دست کم بگیریم و لااقل در مقابل تهاجم فرهنگی باید بتوانیم از بخش ایرانی‌اش که شامل موسیقی فاخر و اصیل ایرانی می‌شود، استفاده نماییم و ظرفیتهای نامحدود آن را به رخ جهانیان بکشیم و با استفاده از جوانان هنرمند و با استعداد که تعداد آنها کم نیست بتوانیم آثاری را تولید نماییم که خود صادرکننده این هنر والا و ارزشمند باشیم، نه اینکه شرایطی را ایجاد کنیم که جوان امروزی هیچ آگاهی نسبت به موسیقی ملی خود نداشته باشد و در هیاهوی تبلیغات و زرق و برق موسیقی مبتذل و بیگانه قرار گیرد و مسخ شده و هویت خود را فراموش کند و هنرمندان این عرصه نیز یکی پس از دیگری فراموش گردند و راهشان بی‌رهرو بماند.

شما سالها در حوزه موسیقی سنتی فعالیت کرده اید، برایمان بگویید در طول این سالها در کارهایتان چه اندازه دغدغه‌های مالی باعث شده‌اند که دغدغه‌های هنری تان را نادیده بگیرید؟ مثلا به خاطر بالا بودن هزینه تولید آلبوم با وجود علاقه زیاد به انتشار اما ترجیح داده باشید که آلبومی منتشر نکنید؟

وقتی پروژه‌ای را تعریف می‌کنیم و می‌خواهیم آلبومی را انتشار دهیم بستگی به سازبندی و آهنگساز و عوامل دیگر تولید دارد. یعنی هزینه‌های خاص خود را دارد. باید هزینه نهایی را محاسبه نموده و بعد اقدام به تولید کنیم. شرکتهایی که در تولید فیزیکی و پخش آلبوم مشارکت می‌کنند هیچ ساز و کار خاصی جهت نظارت بر عملکردشان وجود ندارد به همین دلیل کارهایی که مشارکتی باشد برگشت اقتصادی آنچنانی ندارد و حتی بعضا ممکن است هزینه تولید را پوشش ندهد. ولی خب قطعا برای بنده هم جهت تولید اثر، مشکلات اقتصادی وجود دارد که بعضا تولید را به تعویق می‌اندازد. هنر موسیقی سنتی به نوعی هنر معنوی به شمار می‌رود خود من اوایل باور نداشتم که می‌شود در چنین اموری نیز ملاحظات اقتصادی را در نظر نگرفت ولی بعد از مدتی متوجه شدم که سودجویانی که در این بازار کار می‌کنند مانند سایر بخشهای اقتصادی به فکر منافع شخصی خود هستند و حقوق هنرمند و تولیدکننده اثر را تمام و کمال در نظر نمی‌گیرند به همین دلیل باند و باندبازی و رقابتهای حرفه‌ای مشکلات فراوانی سر راه بوده و هست و مجال دیگری را می‌طلبد که در مورد آن مفصل صحبت کنیم.

> ● در سالهای اخیر انتشار آلبوم موسیقی به صورت فیزیکی منسوخ شده و با توجه به پیدایش فضای مجازی و رسانه‌های متعدد اینترنتی شرکتهایی را که در زمینه تولید و پخش آثار موسیقی ایرانی فعالیت داشتند و در این بخش سرمایه‌گذاری می‌کردند نیز یکی پس از دیگری حذف کردند تا زمینه تولید و نشر محدودتر شود و اقتصاد هنر اصیل از بین برود و این باعث توقف تولیدات خوب در این بخش شده است
>
> ● هنر موسیقی سنتی به نوعی هنر معنوی به شمار می‌رود خود من اوایل باور نداشتم که می‌شود در چنین اموری نیز ملاحظات اقتصادی را در نظر نگرفت ولی بعد از مدتی متوجه شدم که سودجویانی که در این بازار کار می‌کنند مانند سایر بخشهای اقتصادی به فکر منافع شخصی خود هستند و حقوق هنرمند و تولیدکننده اثر را تمام و کمال در نظر نمی‌گیرند به همین دلیل باند و باندبازی و رقابتهای حرفه‌ای مشکلات فراوانی سر راه بوده و هست
>
> ● موسیقی اصیل ایرانی همیشه جایگاه و خاستگاه مشخصی در بین مردم داشته و دارد و هرگز از لوح دل و جان مردم پاک نخواهد شد، چرا که یکی از شگفتیهای این سرزمین تمدن ساز آن است که در گرفتاریها و سختیهای تاریخی همیشه شعر و شاعری و موسیقی و سایر هنرهای اصیل جایگاه ویژه خود را حفظ نموده و هنرمندان بزرگی در طول تاریخ پای به عرصه گیتی نهاده و درخت هنر و خردورزی را حفظ و حراست نموده اند

آیا کتابی هم در زمینه موسیقی سنتی منتشر کرده اید؟ اصلا انتشار کتاب از سوی هنرمندان حوزه موسیقی را مفید می‌دانید؟

خیر منتشر نکرده ام. البته تالیفات زیادی هست که بسیار مفید هستند و هر چقدر در این بخش کار شود بسیار ثمر بخش خواهد بود.

به نظر شما عرصه هنر، خاصه حوزه موسیقی چه چیزی کم دارد تا بتواند به شرایط مطلوب برسد؟

- همدلی و دوستی بیشتر و انسجام صنفی هنرمندان این عرصه با هر سلیقه و علاقه و حمایت سازمان صدا و سیما در بخش تولید و پخش موسیقی ایرانی و حمایت مالی از هنرمندان و حتی استخدام اساتید و هنرمندان برجسته این رشته.

- برگزاری جشنواره‌های استانی و کشوری و معرفی استعدادهای جوان و به کارگیری آنها در اجراهای مختلف.

- حمایت مادی و معنوی دولت از دست اندرکاران و هنرمندان موسیقی و ایجاد ظرفیتهای عرضه آثار موسیقی از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد و حتی وزارت میراث فرهنگی و گردشگری.

- حمایت سازمانهای فرهنگی هنری شهرداری‌های کل کشور از هنرمندان موسیقی و فراهم کردن شرایط اجرا در شهرستانها و حتی بخشها و روستاها بصورت مدون و مستمر.

- سازماندهی غیر مغرضانه و بی‌طرفانه اصحاب هنر موسیقی.

فکر می‌کنید موسیقی سنتی در ده سال آینده در چه جایگاهی قرار خواهد داشت؟

این بستگی به شرایط پیش رو دارد، چنانچه رویکردها و نگرش متولیان مدیریت فرهنگی کشور تغییر جدی و مثبت کند قطعا پیشرفت بهتری خواهد داشت، ولی چنانچه به همین حال ادامه یابد فکر کنم از این هم بدتر خواهد شد. مگر اینکه هنرمندان با استفاده از فضای مجازی و اینترنت بتوانند خود اقداماتی انجام دهند و مردم را از حساسیت موضوع هنر آگاه و همراه و همسو نمایند و آثاری را تولید و عرضه کنند که ضمن در نظر گرفتن جایگاه هنری و ارزشهای واقعی موسیقی سنتی بتوانند مخاطبین بیشتری را جذب نموده و با این نوع موسیقی مرتبط سازند در آن صورت شاید وضعیت بهبود یابد.

نظرتان درباره موسیقی زیرزمینی چیست؟

الان با توجه به وجود فضای مجازی موسیقی زیر زمینی دیگر معنی ندارد هر کس با هر سلیقه‌ای خوب یا بد موسیقی تولید و پخش می‌نماید.

آیا موسیقی پاپ و البته شکل‌های جدیدتری مانند رپ و... را می‌پسندید؟

موسیقی پاپ یا مردمی چنانچه خوش ساخت باشد ملودی تازه و شعر مناسب و زیبا داشته باشد می‌تواند خوب تلقی شود، بعضا کارهایی در بخش موسیقی سنتی داریم که خیلی ضعیف‌تر از برخی کارهای پاپ هستند.

به نظر شما شعر و ترانه چقدر می‌تواند در موفقیت یک اثر موسیقایی خوب نقش داشته باشد؟ صدای خواننده چطور؟

قطعا مهم است. ما در موسیقی اصیل ایرانی به خصوص ساز و آواز که اوج موسیقی ایرانی محسوب می‌شود معمولا از شعرهای کلاسیک استفاده می‌کنیم، چه شعر شاعران قدیم و چه معاصر و چون خدا را شکر شعر و شاعر در این سرزمین کم نداریم چنانچه اشعار خوب و بامحتوا، خوش فرم و زیبا و از لحاظ زبانی و بیانی قوی استفاده گردد قطعا در اثر بخشی و ماندگاری کار نقش مهمی را ایفا می‌کند. صدای خوب هم خیلی مهم است که خصوصیات متعدد دارد، یکی گستره صداست که خواننده از چه نت بم تا چه نت در اوج بتواند اجرا کند هرچه گستره صوتی بیشتر باشد قاعدتا اجرای تکنیک و یا اجرا در کوکهای مختلف می‌تواند تنوع بهتری داشته باشد. دوم جنس صداست ملاحت و رنگ صدا که شیرین باشد و دلنشین. سوم حجم صداست یعنی حنجره صدایی لاغر و بی‌حس و حال نداشته باشد، صدا از پشتوانه صوتی خوبی برخوردار باشد و قدرت صدا به نحوی باشد که بتواند همه ریزه کاریها را اجرا نماید و هم جاهایی که به قدرت کافی نیاز هست از عهده‌اش برآید. چهارم کوک صداست، با توجه به دستگاه‌های موسیقی ایرانی خواننده باید بتواند در کوکها و دستگاه‌های مختلف بخواند و دقیقا همان فرکانسهای صوتی استانداردی که ساز می‌نوازد را اجرا نماید. پنجم سواد ردیف آوازی است و سلیقه و انتخاب شعر مناسب و همه اینها هست که خواننده‌ای را ویژه می‌سازد.

آیا تا به حال کار سفارشی انجام داده اید؟

خیر

مدتی ست در فضای مجازی شاهد و شنوای موسیقی‌ای هستیم که به قول معروف دیگر شورش درآمده، هر واژه‌ای که به ذهنشان می‌آید و بعضی مواقع بسیار رکیک هم هست را بدون هیچ شرمی در آهنگها بیان می‌کنند، فکر می‌کنید چه اتفاقی افتاده که چنین ماجرایی وارد موسیقی ما شده است؟ آیا این معضل قابل حل است و اگر هست چه اقداماتی باید انجام داد و اگر نیست فکر می‌کنید کشتی موسیقی در چنین شرایطی به کجا خواهد رفت؟

این اتفاق در موسیقی پاپ و عامه پسند افتاده است که متاسفانه شیوع هم پیدا کرده و هر کسی از راه می‌رسد ترانه سرا و آهنگساز و خواننده می‌شود. همه اینها برمی گردد به عدم مدیریت صحیح در بخش موسیقی و سهل انگاری آگاهانه و یا ناآگاهانه مسئولان که طی چهل سال هیچ برنامه مدون و مشخصی نداشته و ندارند و این باعث می‌شود علفهای هرز و خود رو نیز در این گلستان موسیقی رشد نمایند و بعضا اگر باغبان جلو رشد علفهای هرز را نگیرد چه بسا که خود باغ را نابود سازند. البته ناگفته نماند که مردم هوشمندانه می‌توانند در برابر این نوع موسیقی عکس العمل نشان دهند و موسیقی خوب را انتخاب نمایند. این نکته قابل ذکر است که موسیقی اصیل ایرانی همیشه جایگاه و خاستگاه مشخصی در بین مردم داشته و دارد و هرگز از لوح دل و جان مردم پاک نخواهد شد، چرا که یکی از شگفتی‌های این سرزمین تمدن ساز آن است که در گرفتاریها و سختیهای تاریخی همیشه شعر و شاعری و موسیقی و سایر هنرهای اصیل جایگاه ویژه خود را حفظ نموده و هنرمندان بزرگی در طول تاریخ پای به عرصه گیتی نهاده و درخت هنر و خردورزی را حفظ و حراست نموده اند. ولی در موسیقی‌های پاپ وعامه پسند وغیرمجاز یا هرچه که می‌خواهید اسمش بگذارید باید بگویم خیلی از مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی دست به دست هم می‌دهند تا این رخدادها به وجود بیاید. جامعه شناسان و مراکز استراتژیک تصمیم ساز و یا افرادی که رشته آینده پژوهی را دنبال می‌کنند می‌توانند به کمک دانشگاهها و یا مراکز تحقیقاتی، پروژه‌های متعددی را تعریف کرده و این موارد را آسیب شناسی نمایند، چرا که نه تنها در بخش موسیقی، بلکه در سایر بخشهای اجتماعی و فرهنگی نیز مشکلات جدی وجود دارد که باید به آنها پرداخته شود تا از بروز چنین رخدادهایی جلوگیری شود.

شما به موسیقی تلفیقی اعتقاد دارید؟

در مورد موسیقی تلفیقی باید اشاره کنم که زمانی ما موسیقی ایرانی را با سازهای الکترونیک و گیتار یا سایر سازهای غربی اجرا می‌کنیم یا برعکس موسیقی خیلی سطحی و پیش پا افتاده را با سازهای ایرانی اجرا می‌کنیم و یا اینکه از هنرو سازهای غربی و ایرانی جهت رنگ آمیزی جدیدی استفاده کنیم و یا اینکه فواصل موسیقی غیرایرانی را به کار می‌بریم. در همه این موارد چنانچه محتوای به کار گرفته شده چه از لحاظ فنی و تکنیکی و چه از لحاظ زیبایی در سطح پایینی قرار داشته باشند و یا اینکه از الگوی خارجی دیگری که تکراری بوده و یا بعضا کپی و سرقت ملودی‌های دیگران است نمی‌توان به آن کار تلفیقی گفت. چرا که اگر از لحاظ محتوایی و ترکیب‌بندی‌سازی اصولی و ملودی پردازی بدیع و نوآوری خلاقانه و به کارگیری تکنیک درست بتوان اثری را خلق نمود آنگاه به کاری تلفیقی وهنری دست خواهیم یافت که در همه جا قابل دفاع می‌باشد.

به عقیده شما علت اینکه خانواده‌ها تمایل بیشتری دارند که فرزندانشان ساز خارجی یاد بگیرند تا ساز ایرانی چیست؟ مثلا گیتار را ترجیح می‌دهند به کمانچه و تار.

البته من آمار دقیقی ندارم که علاقمندان به ساز گیتار تعدادشان بیشتر است یا ساز سه تار، نمی‌دانم آیا شما آماری دارید یا خیر؟ ولی آنچه مسلم است وقتی در رسانه ملی تصویر ساز ممنوع است و نشان داده نمی‌شود و جوان ایرانی نمی‌تواند انواع سازهای مختص به کشور خودش را ببیند و بشناسد، هجوم رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای و نشان دادن انواع موسیقی‌های غربی شاید دلیلی باشد که نوجوانان و جوانان ما به آن نوع موسیقی و سازها علاقه پیدا کنند. جای بسی تاسف است که ما هنوز در قرن بیست و یکم تصویر ساز را از رسانه ملی مشاهده نمی‌کنیم.

ماندگاری صدا برای یک خواننده در طول مثلا سی سال فعالیت خوانندگی به چه عواملی بستگی دارد؟

ماندگاری صدا برای خواننده از لحاظ صدا به تمرین مداوم، حفظ سلامت حنجره و سلامت فردی و حفظ روحیه خوب و انگیزه کار بستگی دارد. ولی برای اینکه آثار خوب اجرا کند و مدام مشغول تولید و خلاقیت باشد باید با شعر زندگی کند و با درک و دریافت اشعار خوب به روز باشد و همیشه یادگیری و کسب تجربه‌های جدید را سرلوحه کار خود قرار دهد. همچنین همکاری دوستانه و صمیمی با هنرمندان و نوازندگان و آهنگسازان داشته باشد.

اینکه می‌گویند صدایش فالز است مفهومش چیست؟

یعنی اینکه کوک نمی‌خواند به طور مثال نت (دو) فرکانس مشخص و ثابتی دارد خواننده هنگام شنیدن آن فرکانس صوتی باید با حنجره خود دقیقا همان فرکانس صوتی را تولید کند، اگر فرکانس تولید شده کمتر یا بیشتر از فرکانس مبنا باشد اصطلاحا می‌گویند فالز است که این واژه فرانسوی بوده و به معنای ناکوک است.

در ایام کرونا فعالیت‌های شما و گروه‌تان چطور بود؟ به لحاظ کاری، به لحاظ درآمدی و معیشت خانواده و...؟

خیلی محدود و از لحاظ درآمدی تقریبا صفر.

به عقیده شما آیا موسیقی حتما باید به صورت آکادمیک باشد یا صرف اینکه یک نفر صدای خوبی داشته باشد و تکنیک‌های اولیه موسیقی را بلد باشد، کافیست؟

در کشور ما و به خصوص رشته آواز، ما تحصیلات آکادمیک و حتی رشته دانشگاهی نداریم و آموزش صرفا از روش سینه به سینه هست، یعنی شاگرد بیت یه بیت آواز را از استاد شنیده و می‌خواند و دستگاه‌ها و ردیف و گوشه‌های آوازی را فرا می‌گیرد و چنانچه کسی صرفا حنجره خوبی داشته باشد دلیل بر این نیست که بتواند آواز بخواند، بلکه باید موسیقی آوازی و ردیف دستگاهی را نیز بیاموزد و نسبت به شعر شناخت پیدا کند. تلفیق شعر و موسیقی بداند و صدها نکته دیگر. به قول حضرت حافظ:

صد نکته غیر حسن بباید که تا کسی
مقبول طبع مردم صاحب نظر شود

برای زنده نگه داشتن میراث بی‌نظیری که از گذشته برای ما به یادگار مانده چه اقداماتی باید انجام می‌شده که نشده و چه اقداماتی باید انجام شود؟

علاوه بر آنچه که تاکنون بیان کردم به طور کلی باید رویکرد مسئولان فرهنگی و غیر فرهنگی به هنر موسیقی تغییر کند و بودجه و مدیریت صحیح و قوی به این هنر اختصاص داده شود.

به عنوان یک فعال پیشکسوت حوزه موسیقی سنتی انتظار و درخواستان از مسئولان وزارت ارشاد چیست؟ کدام قسمت‌ها ضعف دارند که باید کار بیشتری توسط مسئولان برایش انجام شود؟

در همه زمینه‌ها به خصوص مدیریت هنری و نداشتن دغدغه فرهنگی و نداشتن اجازه جهت عملکرد خوب.

بزرگترین آرزوی هنری شما به عنوان فردی از اجتماع چیست؟

اینکه همه شاد و تندرست زندگی کنند در سایه عدالت اجتماعی و به زیبایی‌های زندگی بیشتر توجه داشته باشند و زیبایی را درک کنند در همه امور. به قول جناب سایه:

زندگی زیباست ای زیبا پسند
زنده اندیشان به زیبایی رسند
آن چنان زیباست این بی‌بازگشت
کز برایش می‌توان از جان گذشت

آخرین آلبوم و کنسرتی که برگزار کردید چه بود؟

آخرین کنسرت من در سال ۹۷ بود با ارکستر ملی به رهبری استاد اسماعیل وائقی و آخرین آلبوم هم (دگر هیچ) در سال ۹۹ منتشر گردید، البته به صورت دیجیتال.

در آینده چطور؟

با توجه به شرایط کنونی مشغول تهیه یکی دو آلبوم جدید هستم برای نشر در سال آینده.

و حرف پایانی.

تشکر می‌کنم از جنابعالی و همکاران شما در مجموعه آفتاب یزد و آرزو دارم مردم نجیب و شریف ایران هر چه زودتر از زیر بار مشکلات متعدد فارغ شوند تا بتوانند به مسائل هنری هم جدی‌تر بپردازند.

حسین ترک‌جوش:

«هنروتجربه» انگیزه بالایی به فیلمسازان کوتاه می‌دهد

فیلم کوتاه «انبار» هفتمین ساخته حسین ترک‌جوش همراه با پنج اثر از فیلمسازان جوان در بسته فیلم کوتاه «۱۰۸ دقیقه از یک قرن» در حال اکران و نخستین اثری است که در این بسته فیلم کوتاه به نمایش در می‌آید. ترک‌جوش درباره چگونگی رسیدن به سوژه «انبار» به هنروتجربه گفت: «چند سالی بود که در انبار ضایعات کاغذ رفت و آمد داشتم و احساس می‌کردم با وجود شرایط بد آن مکان می‌شود، سوژه‌ای پاک و زلال را بیرون کشید. همه ما می‌دانیم مهاجرینی که غیرقانونی به ایران می‌آیند، قطعا باید در جایی پنهان باشند و سراغ کارهایی بروند که از لحاظ فیزیکی کارهای بسیار سختی است. زمان زیادی به این انبارها سر می‌زدم و ساعت‌ها نگاه می‌کردم که ببینم چه قصه‌ای می‌شود از لابه‌لای زندگی آن آدم‌ها بیرون کشید تا اینکه اتفاقی برای یکی از اقوام رقم خورد و مطلع شدم که از فرط خستگی سر او به زیر دستگاه پرس رفته است. با دیدن این صحنه ناخوشایند، متمرکزتر شدم و سیناپس اولیه را نوشتم و در نهایت شیما اسماعیلی فیلمنامه «انبار» را نوشت». او با اشاره به این‌که تنها بخش‌هایی از این فیلم برگرفته از واقعیت است، درباره انتخاب بازیگران این فیلم توضیح داد: «بازیگران فیلم به صورت اتفاقی انتخاب شدند و حتی روز فیلمبرداری هم تغییراتی دادیم و مایل بودم بازیگران نزدیک به سوژه‌هایی باشند که از نزدیک دیده بودم و تا درصد بالایی هم این اتفاق افتاد» ترک‌جوش همچنین در پاسخ به این سوال که چرا «انبار» در جشنواره‌های داخلی پذیرفته نشده، توضیح داد: «دلیل آن را به درستی نمی‌دانم. شاید به خاطر مصاحبه‌های تندی که سال‌ها پیش انجام دادم، دوستان دلخور هستند و یا سیاه‌نمایی فیلم و یا اینکه سطح این فیلم برای حضور در جشنواره‌های داخلی پایین‌تر بوده است». این کارگردان ادامه داد: «وقتی به من می‌گویند مثلا این فیلم در سلیقه جشنواره ما نیست، درک درستی از این حرف ندارم و آزاردهنده است. سلیقه به چه معنی است. ما اگر راجع به سینمای حرفه‌ای صحبت می‌کنیم که استانداردهای آن مشخص و معین است. دوست دارم به موضوعی که این روزها به آن فکر می‌کنم اشاره کنم و آن اینکه واقعا دنیا دیگر ارزش زندگی کردن ندارد. یعنی بسیاری از آدم‌ها فقط به منفعت خودشان فکر می‌کنند و در جشنواره‌های داخلی هم این منفعت‌گرایی بر تمام وجوه آن سایه انداخته است و کاری به خلاقیت و زحمات سازنده اثر برای ارائه کار جدید ندارند. به راحتی برخی فیلم‌ها کنار گذاشته می‌شوند و دلایل معقول و متر و معیار درستی هم برای این کار ندارند». این کارگردان در بخش دیگری از صحبت‌هایش با بیان اینکه هدف «هنروتجربه» حمایت‌گری از آثار مستقل، تجربی و هنری است و در این زمینه کارنامه‌ای موفق دارد، عنوان کرد: «حمایت «هنروتجربه» انگیزه بالایی به فیلمسازان فیلم کوتاه می‌دهد. با وجود نادیده گرفتن فیلم «انبار» در جشنواره‌های ایران، «هنروتجربه» این فیلم را برای نمایش و اکران انتخاب کرد. در حقیقت برای من «هنروتجربه» حکم پدری را دارد که حتی با وجود ناخلف بودن پسر، طردش نمی‌کند و از او حمایت می‌کند. «هنروتجربه» اصلا توجهی نداشتند ک علیه آن مصاحبه کرده‌ام یا نه و تنها خود فیلم را دیدند. این روزها مدیون گروه «هنروتجربه» هستم و فکر می‌کنم اگر کمی انصاف داشته باشیم نباید محاسن زیاد آن را نادیده بگیریم. در شرایط اپیدمی از نزدیک شاهد هستم که این گروه چه تلاشی برای هرچه بیشتر دیده شدن فیلم‌ها انجام می‌دهند». او ادامه داد: «به هر حال کرونا مانع آمدن مخاطبان به سینماها شده است و پیشنهاد می‌کنم در کنار اکران فیزیکی فیلم‌ها، اکران آنلاین هم مورد توجه قرار بگیرد. به نظرم با اکران آنلاین بخشی از سرمایه‌ای که برای فیلم‌ها گذاشته شده بر می‌گردد و امیدوارم این اتفاق هم بیفتد».

ترک‌جوش با بیان اینکه فیلم کوتاه بخشی کاملا حرفه‌ای است که باید جدی گرفته شود، توضیح داد: «متاسفانه به دلیل فرهنگ‌سازی نادرست از فیلم‌های کوتاه، مردم کمتر با این فضا آشنایی دارند و زمانی که می‌بینم برخی تئاترهای بی‌کیفیت در سالن‌های بی‌کیفیت اجرا و مورد استقبال واقع می‌شوند، غمگین می‌شوم چرا فیلم‌های ما که از نظر کیفیت و هزینه و حتی سالن‌های نمایش کیفیت بالاتری دارد، کمتر به چشم مخاطب عام می‌آید و به نظرم این همان فرهنگ‌سازی نادرست است که زحمت رفع آن بر دوش «هنروتجربه» است تا سینمای مستقل راه خودش را پیدا کند».

این فیلمساز با بیان اینکه در صورت حمایت بیشتر، فیلمسازان فیلم کوتاه توانایی و پتانسیل بسیار بالایی دارند و فیلم کوتاه قابلیت جذب مخاطب عام سینما را هم دارد افزود: «به نظرم فیلم‌های کوتاه ساخته شده امسال، آینده سینمای ایران را تعیین می‌کند و فیلمسازانی خوبی در این عرصه مشغول فعالیت هستند. منکر فیلم‌های ضعیف نیستم اما امسال فیلم‌هایی با خلاقیت بالا و موضوعات بکری دیدم که باعث امیدواری است و امیدوارم دولت هم پا پیش بگذارد و از ما جوان‌ها حمایت کند تا بتوانیم خودمان را بهتر نشان بدهیم».